

رویکرد تربیتی مادران در تعامل با دختران (۹-۱۱ ساله) در مورد نماز و حجاب: یک مطالعه کیفی
Mother's Educational Approach To Interaction With their Daughters (9-11) Years
About Prayer And Hijab: A Qualitative Study

Zeynab Armaniyan

M.A in General Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Dr. Mohammad Ali Mazaheri *

Full Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

mazaheri45@gmail.com

Dr. Mahdi Nassaji

Research Fellow with the Learning about Science and Religion Centre at Canterbury Christ Church University, England.

زینب آرمانیان

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دکتر محمدعلی مظاهری (نویسنده مسئول)

استاد تمام گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دکتر مهدی نساجی

پژوهشگر مرکز یادگیری علم و دین در دانشگاه کانتربری کریست چرچ، انگلستان.

Abstract

This research investigated mothers' approaches to interacting with their 9- to 11-year-old daughters regarding prayer and hijab. Regarding the purpose, this was basic research and a qualitative study with a phenomenological approach. The study population consisted of mothers with daughters aged 9- 11 years old living in Tehran in 1401, from whom a convenient sampling was taken, and after 17 interviews, the data reached saturation. The research instruments included a semi-structured interview and two self-report questions about the extent of prayer and hijab practice. This research used thematic analysis using the Brown and Clark method within a deductive-inductive framework. By analyzing the content of the interviews, 19 sub-themes and 4 main themes were obtained, and according to that, the mothers were divided into three categories. The findings showed that 13 out of 17 mothers who identified themselves as performing prayers and hijab had a different educational approach from the Quran regarding prayer and hijab, even though the approach of the Quran is not to reduce religious actions to superficial behavior and perform religious acts from the Knowledge and awareness or is the non-reductionist approach, the emphasis of most mothers was on the objective behavior and outcome of prayer and hijab and reducing them to a superficial behavior and a reductionist approach. Therefore, it seems necessary for mothers to become aware of the educational methods of the Quran so that educate their children based on it.

Keywords: Religious Education, Education of Girls, Hijab, Prayer.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رویکرد مادران در تعامل با دختران ۹ تا ۱۱ ساله‌شان درباره نماز و حجاب صورت گرفت. این پژوهش به لحاظ هدف جزء پژوهش‌های بنیادی و از لحاظ روش از نوع مطالعات کیفی با رویکرد پدیدارشناسی بود. جامعه پژوهش را مادران دارای فرزند دختر ۹ تا ۱۱ ساله ساکن در تهران در سال ۱۴۰۱ تشکیل دادند که از بین آنها به صورت در دسترس نمونه‌گیری شد و پس از ۱۷ مصاحبه، داده‌ها به اشباع رسید. ابزارهای این پژوهش شامل یک مصاحبه نیمه ساختاریافته و دو سوال خودگزارش‌دهی درباره میزان عمل به نماز و حجاب بود. روش تحلیل این پژوهش، تحلیل مضمون به روش براون و کلارک و در چارچوب قیاسی-استقرایی بود. با تحلیل محتوای مصاحبه‌ها ۱۹ مضمون فرعی و ۴ مضمون اصلی بدست آمد و طبق آن مادران به سه دسته تقسیم شدند. یافته‌ها نشان داد ۱۳ نفر از ۱۷ مادر که خود را اهل انجام نماز و حجاب معرفی کردند، رویکرد تربیتی متفاوتی با قرآن در مورد نماز و حجاب داشتند و علی‌رغم اینکه رویکرد قرآن تقلیل ندادن اعمال دینی به رفتار ظاهری و انجام اعمال دینی از روی شناخت و آگاهی یا همان رویکرد غیرتقلیل‌گرایانه است، تأکید اکثر مادران بر روی رفتار و خروجی عینی نماز و حجاب و تقلیل آن‌ها به رفتاری ظاهری و رویکردی تقلیل‌گرایانه بود. لذا به نظر می‌رسد لازم است مادران از روش‌های تربیتی قرآن آگاهی پیدا کنند تا فرزندان خود را بر اساس آن تربیت کنند.

واژه‌های کلیدی: تربیت دینی، تربیت دختران، حجاب، نماز.

مقدمه

اسلام نماز و حجاب را بر مسلمانان واجب کرده است. نماز عملی است که از زمان به تکلیف رسیدن تا پایان عمر باید حداقل سه بار در روز ادا شود و لزوم تکرار این عمل سبب افزایش توجه خانواده‌های مذهبی به آن شده است. حجاب نیز امری است که از دختران خواسته شده از زمان به تکلیف رسیدن آن را رعایت کنند. هرچند احکامی درباره حجاب برای پسران نیز وجود دارد اما بروز بیشتر حجاب برای دختران و زنان مطرح است. حجاب نیز به دلیل بروز عینی بیشتر نسبت به سایر اعمال دینی یکی از دغدغه‌ای خانواده‌های مذهبی است.

کلمه صلاه^۱ و مشتقات آن در ۹۸ آیه از قرآن مطرح شده است (سید علوی، ۱۳۸۹). از جمله آیاتی مانند «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۲ (آیه ۱۴ طه)، «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»^۳ (آیه ۴۵ عنکبوت) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۴ (آیه ۱۵۳ بقره). همانطور که ملاحظه می‌شود وقتی قرآن درباره علت وجوب و اهمیت نماز سخن می‌گوید، توضیحاتش را در چارچوب استدلال‌ها و مفاهیم انتزاعی و دور از تقلیل مفاهیم آن‌ها به مفاهیم سطحی و ظاهری و در قالب معانی دینی مانند ذکر خدا، عبودیت و بندگی مطرح می‌کند که بیشتر جنبه‌ی شناختی و عرفانی دارند و در قالب‌های انتزاعی و عقلانی مطرح شده‌اند (نصیری، ۱۳۹۹). به طوری که مفسران در کتب خود مانند تفسیر المیزان (طباطبائی، ۱۳۶۷) و تفسیر نمونه (مکارم، ۱۳۷۴) و عالمان و پژوهشگران در مقالات خود (مانند نصیری، ۱۳۹۹؛ شریفی، ۱۳۹۷؛ حسن‌زاده توکلی و همکاران، ۱۳۹۲؛ اکبرنژاد و مهمدی، ۱۳۹۳)، این معانی را مانند یاد خدا و چگونگی تأثیر آن در آرامش و تعالی انسان و اثرات نماز بر دوری از زشتی‌ها می‌شکافند و معانی عمیق آن را برای خواننده بیان می‌کنند. از متون مختلف برداشت می‌شود که فهم تأثیرات نماز و چرایی وجوب آن نیازمند مطالعات و فهمی از جنس شناختی و عقلانی و انتزاعی از این مسئله است.

همچنین ۲۱ سوره از قرآن در رابطه با حجاب و عفاف و وجوب و اهمیت آن سخن می‌گوید (محمودی یگانه، ۱۳۹۹). «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۵ (آیه ۵۹ احزاب) و «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۶ (آیه ۳۲ احزاب). در این آیات نیز ملاحظه می‌شود که به شکل مختصر و در چارچوب استدلال‌ها و مفاهیم انتزاعی و دور از تقلیل مفاهیم دینی به مفاهیم سطحی و ظاهری، به علت وجوب و اهمیت حجاب اشاره شده است و عالمان و پژوهشگران در کتب و پژوهش‌های مختلف تلاش کرده‌اند به کمک آیات، روایات و دلایل عقلی به توضیح چرایی وجوب حجاب و اهمیت آن بپردازند و دلایلی مانند حفظ عزت و شخصیت و حرمت زن، حفظ کانون خانواده و سلامت جامعه را مطرح کنند (مانند مطهری، ۱۳۸۶؛ بهروزی، ۱۳۸۷؛ قاسمی، ۱۳۸۷؛ فتاحی‌زاده، ۱۳۸۸؛ اسحاقی، ۱۳۸۸؛ مهریزی، ۱۳۸۶). لازمه‌ی درک این مفاهیم نیز داشتن توانایی ادراک انتزاعی و سطحی از رشد شناختی و ذهنی است که در دوره‌ی عملیات انتزاعی کسب می‌شود اما سن ۹-۱۱ سالگی که به شکل حدودی آغاز به تکلیف رسیدن دختران از نظر اسلام است، سنی است که طبق نظریه‌های مختلف رشد از جمله نظریه‌ی پیاژه و نظریه‌های تحولی دین (باهنر، ۱۴۰۱)، کودکان در مرحله عملیات عینی و ادراک عینی قرار دارند (منصور، ۱۳۹۵).

بنابراین، به نظر می‌رسد مادران، هنگام تعامل و گفتگو با دخترانشان در ابتدای بلوغ (سنین ۹ تا ۱۱ سالگی) درباره‌ی نماز و حجاب با یک چالش تربیتی مواجه هستند. از یک سو، آموزه‌های دین درباره‌ی این دو مقوله، رویکردی عقل‌محور و شناختی و انتزاعی است و لزوم وجوب نماز و حجاب در قالب اصول و ارزش‌های بنیادین مطرح شده است و از سوی دیگر کودکان در این بازه سنی هنوز در مرحله عینی هستند و توان درک مفاهیم انتزاعی را ندارند و فاصله‌ی میان ارزش‌های انتزاعی نماز و حجاب و سطح ادراکی کودکان، ممکن است برای مادرانی که دغدغه نماز و حجاب را برای دخترانشان دارند، چالش برانگیز باشد. یک راه احتمالی برای رفع این چالش که ممکن است مادران آن را اتخاذ کنند، می‌تواند تقلیل مباحث انتزاعی به سطح درک فرزندان‌شان باشد.

۱ نماز

۲ من «الله» هستم؛ معبودی جز من نیست؛ مرا بپرست، و نماز را برای یاد من بپا دار.

۳ آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (آسان را) از زشتیها و گناه بازمی دارد، و یاد خدا بزرگتر است؛ و خداوند می داند شما چه کارهایی انجام می دهید.

۴ ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید!

۵ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلیبها» (روسری های بلند) خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ و خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

۶ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن بیاسته بگویند.

تقلیل‌گرایی یا فروکاهش‌گرایی، رویکردی پرکاربرد در عرصه‌ی علم و حتی در زندگی روزمره است. مثال زدن و عینی کردن مباحث مختلف، جزو رایج‌ترین شیوه‌های تقلیل می‌باشد که به درک بهتر مسائل و موضوعات کمک می‌کند. البته تقلیل‌گرایی دارای انواعی است که هر یک ویژگی‌ها و بعضاً آسیب‌هایی می‌تواند داشته باشد (حاتمی، ۱۴۰۰). دو نوع اصلی تقلیل‌گرایی، تقلیل‌گرایی روش‌شناختی و تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی است. در تقلیل‌گرایی روش‌شناختی بدون آنکه اصل مفهوم دچار تقلیل شود، با روش خاص و محدودی، بخشی از آن مفهوم مورد بررسی قرار می‌گیرد، بدون آنکه سایر بخش‌ها و ابعاد، انکار شود مثلاً فردی معتقد است ذهن دارای ابعاد مختلفی است اما می‌توان برای بررسی یک بُعد مثلاً حافظه، آزمایش‌هایی انجام داد. این نگاه سایر ابعاد ذهن را نادیده نگرفته اما برای شناخت آن از یک روش خاص و محدود استفاده کرده است. زمانی تقلیل روش‌شناختی می‌تواند در بررسی علمی، مانع و حتی نوعی خطر ایجاد کند که آنقدر این نوع تقلیل غلبه پیدا کند که عملاً به تقلیل هستی‌شناختی منتهی شود (پوول، ۲۰۰۷). در نوع دیگر تقلیل یعنی تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی، اصل مفهوم به مفهوم جزئی‌تری تقلیل داده می‌شود و در آن قاعده «هیچ‌مگر» دیده می‌شود (پوول، ۲۰۰۷)، یعنی بیان می‌کند الف، هیچ چیزی نیست مگر ب. مثلاً دین چیزی نیست مگر رفتار شرطی شده یا آموخته‌شده (پوول، ۲۰۰۷). در میان رویکردهای روانشناختی، رویکرد رفتارگرایی، دارای بیشترین تقلیل هستی‌شناختی است بدین معنی که طبق این رویکرد دین و اعمال دینی تنها به رفتار ظاهری تقلیل داده می‌شود (مرعشی، ۱۴۰۰). تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی به دین مورد پذیرش نبوده و مذموم است، اما تقلیل‌گرایی روش‌شناختی در دین نه تنها تهدیدی برای دین نیست بلکه قابل استفاده است و حتی می‌تواند به فهم و پذیرش دین کمک کند (پوول، ۲۰۰۷). به طور مثال اگر کسی مفهوم روزه و آثار آن را صرفاً در قالب تجربه حال فقرا یا صرفاً در جهت بهبود سلامتی جسم بداند، یا اگر کسی نماز را فقط برای بهشتی شدن به جا آورد یا کسی که حجاب را صرفاً برای دوری از جهنم رعایت کند یا هر کدام از اعمال دینی را فقط به دلیل ترس از عذاب و اشتیاق به بهشت انجام دهد و از سایر جنبه‌ها و آثار و ابعاد معنوی آن‌ها غفلت کند، دچار تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی در رابطه با هر یک از اعمال دینی شده‌است. اما اگر صرفاً به یک بعد و یک جنبه توجه نشود و انکار سایر ابعاد صورت نگیرد بلکه به سایر ابعاد نیز توجه شود، تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی رخ نمی‌دهد. در روایات نیز مشاهده می‌شود که به تشویق و تنبیه کودک در جهت آموزش اعمال دینی توصیه شده اما به این بسنده نشده و توصیه‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد که علاوه بر استفاده از پاداش، در رابطه با عمق و آثار و پیامدهای مادی و معنوی اعمال دینی متناسب با سن کودک یا نوجوان برای آن‌ها توضیحاتی داده شود تا نسبت به آن اعمال ادراک بهتری پیدا کند (معتمدی، ۱۳۹۷).

پژوهش‌هایی در فضای تربیت دینی در رابطه با روش‌های ایجاد رغبت در کودکان نسبت به اعمال دینی و روش‌هایی برای نهادینه کردن اعمال و باورهای دینی در کودکان طبق روایات دینی صورت گرفته است (شفیعی و هماران، ۱۳۹۹؛ زینال‌پور و کیهان، ۱۳۹۷؛ عارفی و فلاح‌پور، ۱۳۹۶؛ سوهانی، ۱۳۹۶؛ فتوحی و موسوی‌نسب، ۱۳۹۴؛ ملکی و همکاران، ۱۳۹۰؛ زاهدی و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین پژوهشی در رابطه با سوالات دینی کودکان از والدین و پاسخ‌های والدین به آن‌ها انجام شده است (حسینی، ۱۳۹۶)، اما به بررسی توضیحات والدین به خصوص مادران درباره اعمال دینی مشخصاً نماز و حجاب نپرداخته و بیشتر، توضیحات آن‌ها درباره باورهای دینی را بررسی کرده است. در پژوهش دیگری روش‌های والدین موفق در نمازخوان کردن فرزندان نوجوان‌شان بررسی شده است (غلامی و همکاران، ۱۳۹۸) اما روش‌های سایر والدین آن هم در سنین کودکی و بحث حجاب مورد بررسی قرار نگرفته است. پژوهش دیگری نیز به بررسی ابزارها و وسایل مورد استفاده والدین در آموزش اعمال و باورهای دینی پرداخته است ولی رویکرد تربیتی مادران را بررسی نکرده است (زینال‌پور و کیهان، ۱۳۹۷).

رویکرد و نوع پاسخدهی مادران و به طور کلی والدین به سوالات کودکان در مورد چیستی و چرایی اعمال عبادی و احکام عملی و رویکرد اتخاذشده توسط آن‌ها برای آموزش و توضیح این امور، مهم و اثرگذار است؛ زیرا ادراک افراد از دین و خداوند در سال‌های نوجوانی و بزرگسالی متأثر از ادراکی است که در کودکی از این مسائل پیدا کرده‌اند (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰؛ هادیان و همکاران، ۱۳۹۲) و مجموعاً شیوه‌ی تربیتی والدین بر انجام یا عدم انجام اعمال عبادی فرزندان مؤثر است (بیگدلی و ماهرزاده، ۱۳۹۴) و در این میان مادر به عنوان مراقب اصلی، مؤثرترین نقش را در تربیت و تحول کودک ایفا می‌کند (ملکوتی، ۱۳۹۷). وقتی رویکرد تربیتی مادران در مورد آموزش اعمال و مفاهیم دینی به فرزندان، رویکرد صحیحی نباشد، آثار آن تنها به بعد فردی و خانوادگی ختم نمی‌شود بلکه به دلیل ریشه‌ای بودن امر تربیت و نقش آن در ایجاد فرهنگ و سپس اثر فرهنگ در شاکله و فضای اجتماع و سیاست، می‌تواند در کنار سایر عوامل، آثاری در سطح ایجاد یا رفع بحران‌های اجتماعی و سیاسی داشته باشد (احمدی و عمیدی، ۱۳۹۵). بنابراین علاوه بر توجه به سایر عوامل موثر بر ایجاد بحران‌ها و یافتن راه‌حل برای آن‌ها، بخشی دیگر از راه‌حل آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند در بازنگری در فضای فرهنگی

و تمرکز بر رویکرد تربیتی خانواده‌ها و مشخصاً مادران باشد (مرادی و موسی‌پور، ۱۳۹۲؛ مولایی و همکاران، ۱۴۰۱؛ کرمی و همکاران، ۱۳۹۵). با وجود آنکه هر یک از اعضای خانواده مخصوصاً مادر بر تحول دینی کودکان اثرگذارند اما نحوه‌ی این اثرگذاری هنوز به طور دقیق بررسی نشده و در این زمینه کمبود اطلاعات وجود دارد و به نظر می‌رسد بررسی کیفی آغاز مناسبی برای بررسی این تعاملات باشد (بویاتریس و همکاران، ۲۰۰۶).

با توجه به اهمیت این نوع تعاملات و اثرات بلندمدت آن در دینداری فرزندان (ناصری‌طاهری و شهیدی، ۱۴۰۱) و خلأ موجود و با توجه به آنچه در رابطه با رویکرد غیرتقلیلی قرآن در توضیح نماز و حجاب مطرح شد، هدف از پژوهش حاضر این است که به شکل نظام‌یافته و با روش کیفی و پدیدارشناسانه به بررسی رویکرد مادران در پاسخ به سوالات دختران ۹-۱۱ ساله‌شان که در مرحله‌ی عملیات عینی هستند، درباره نماز و حجاب که توضیحاتی انتزاعی را می‌طلبد، پردازد؛ و شباهت یا تفاوت رویکرد آنان با قرآن و استفاده یا عدم استفاده از انواع تقلیل‌گرایی را بررسی کند.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های بنیادی و با روش کیفی و از نوع پدیدارشناسی^۱ بود. این رویکرد به بررسی تجربیات عمیق افراد در موضوعی خاص و درک بهتری از معانی آن پدیده و احساسات، افکار و رفتارهای انسانی می‌پردازد (کرسول^۲، ۲۰۱۳؛ ون‌مانن^۳، ۲۰۱۶). روش تحلیل این پژوهش، از نوع تحلیل مضمون^۴ به روش براون و کلارک^۵ بود. نمونه‌گیری نیز به روش در دسترس و از میان مادران ساکن تهران دارای فرزند دختر ۹ تا ۱۱ ساله در فروردین تا تیر سال ۱۴۰۱ انجام شد و مصاحبه‌ها پس از ۱۴ مورد به اشباع رسید و از نظر پژوهشگر اطلاعات جدیدی بیان و کشف نمی‌شد اما جهت اطمینان سه مصاحبه دیگر نیز انجام شد و نهایتاً به ۱۷ مصاحبه اکتفا شد. معیارهای ورود به پژوهش، ساکن استان تهران بودن، دارای فرزند دختر ۹ تا ۱۱ بودن و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش بود و معیار خروج انصراف از ادامه‌ی همکاری در هر لحظه از مصاحبه بود. مصاحبه‌ها به شکل تلفنی انجام و ضبط می‌شد. پیش از شروع مصاحبه و ضبط آن، با توضیح اهداف مصاحبه رضایت مصاحبه‌شونده دریافت و در رابطه با محرمانگی اطلاعات‌شان به آن‌ها اطمینان داده شد. میانگین زمان مصاحبه‌ها نیز $27/11 \pm 25$ دقیقه و کمترین آنها ۹ دقیقه و بیشترین آنها نیز ۵۳ دقیقه بود. پس از رسیدن به اشباع و اتمام انجام مصاحبه‌ها، همه‌ی مصاحبه‌ها مکتوب شدند و کار دسته‌بندی و کدگذاری محتوا و تحلیل آن‌ها آغاز شد.

ابزار سنجش

مصاحبه نیمه‌ساختاریافته: بر اساس مرور پیشینه‌ی نظری موجود و گفتگو با صاحب نظران، طرح اولیه‌ی سوالات مصاحبه به دست آمد. ضمناً این پرسشنامه به صورت آزمایشی در دو مرحله و در هشت مصاحبه اجرا و بازبینی شد تا در نهایت سوالات به شکلی طراحی شد که می‌توانست به عنوان ابزاری مناسب برای گردآوری اطلاعات استفاده شود. موارد کلی که در مصاحبه از مادر پرسیده می‌شد شامل این موضوعات بود: در مورد نماز و حجاب مادر چه توضیحاتی را برای دخترش بیان کرده است. آیا از انواع تشویق و تنبیه در این راستا استفاده کرده‌اند. اگر در آینده به این موارد عمل نکنند، عملکرد مادران چه خواهد بود. این سوالات به شکل جزئی‌تر مطرح می‌شد و ابتدای مصاحبه نیز نظر مادران درباره‌ی یک گفتگوی فرضی مرتبط با این موضوع پرسیده می‌شد. همچنین اطلاعات جمعیت شناختی شامل سن، شغل و تحصیلات مادر، سطح اقتصادی، وجود یا عدم تعارض فرهنگی و دینی در محیط‌شان و تعداد فرزندان از مادران سوال می‌شد.

پرسشنامه خودگزارش‌دهی عمل به نماز و حجاب محقق‌ساخته: برای مشخص شدن میزان تقید و عمل مادران به نماز و حجاب، به تایید متخصصان و با الگوگیری از برخی پژوهش‌ها (صادقی، مظاهری و حیدری، ۱۳۸۵؛ صادقی و مظاهری، ۱۳۸۶) یک پرسشنامه‌ی خودگزارش‌دهی شامل دو گزاره با پنج گزینه طبق طیف لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) طراحی شد.

در این پژوهش از روش تحلیل مضمون به روش براون و کلارک استفاده و سعی شده است در چارچوب قیاسی-استقرایی و در طی شش مرحله، پس از دسته‌بندی داده‌ها به تفسیر آن‌ها پرداخته شود (مایرینگ، ۲۰۰۳؛ براون و کلارک، ۲۰۰۶). شش مرحله عبارتند از

1 Phenomenological

2 Creswell

3 Vav Manen

2 Thematic Analysis

5 Braun and Clarke

آشنایی با داده‌ها، تولید کدها، شناسایی مضامین، بازنگری مضامین، تعریف و نامگذاری مضامین و نوشتن نتایج. مصاحبه‌هایی که انجام گرفت، به طور کامل پیاده‌سازی و طبق اهداف پژوهش کدگذاری شدند. در طول تحلیل داده‌ها موضوعات جدیدی که به دست آمدند نیز کدگذاری شده و مجدداً تمامی مصاحبه‌ها، بازبینی و بر اساس کدهای جدید، کدگذاری‌ها کامل گشت و مضامین اولیه شناسایی شدند. پس از پایان این مرحله، تعداد دفعات نمودار شدن هر کد در کل مصاحبه‌ها به همراه نمونه عباراتی که مصاحبه‌شوندگان به کار بردند، در جدولی تنظیم شد. کدگذاری‌ها درون متن اصلی مصاحبه‌ها انجام گرفت تا در صورت لزوم به راحتی بتوان از طریق جستجوگر نرم افزار ورد به متن اصلی مراجعه نمود و پاسخ‌ها را درون بافت اصلی مصاحبه‌ها تحلیل نمود. این روش کمک کرد تا یک ارزیابی عینی از موضوعات مهم و برجسته از نگاه مصاحبه‌شوندگان به دست آید. در جریان رفت و برگشت به متن مصاحبه‌ها، این کدها تکمیل و مضامین، بازنگری و دارای تعریف روشن و واضحی شدند. در نهایت تلاش شد از تحلیل کدهای ایجادشده، و مقوله‌بندی آن‌ها و با الهام از پژوهش‌های نظری در این حوزه به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد. جهت اطمینان از صحت و اعتبار یافته‌های پژوهش، شاخص‌های اعتبار گوبا و لینکلن^۱ (۱۹۸۹) مورد استفاده قرار گرفت. جهت تضمین قابلیت اعتبار^۲ تلاش شد مصاحبه به برخی از شرکت‌کنندگان بازگشت داده شود و تغییرات لازم اعمال گردد. برای ملاک قابلیت ثبات^۳ سعی شد از سوال‌های ثابت، همراه با نظارت متخصص بیرونی استفاده شود. همچنین ضریب توافق ۰/۷۷ بین تحلیلگران به دست آمد که نشانه اعتبار مطلوب نتایج است. جهت تحقق معیار تاییدپذیری^۴ داده‌ها به شکل دقیق مکتوب شد و به متخصصین ارائه و مورد تایید قرار گرفت و برای برآورده شدن ملاک انتقال‌پذیری^۵ تلاش شد با نمونه متفاوت و تعداد بیشتری مصاحبه گردد.

یافته‌ها

جدول شماره ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

شماره مصاحبه	سن فرزند	سن مادر	تحصیلات مادر	شغل مادر	تعداد فرزند	چندمین فرزند	منطقه سکونت	سطح اقتصادی (درآمد به میلیون)
۱	۹/۵	۳۸	کارشناسی	خانه دار	۵	دوم	منطقه ۲	۱۵-۲۰
۲	۹/۵	۳۳	کارشناسی	خانه دار	۴	اول	منطقه ۷	۸-۱۵
۳	۹	۳۴	دیپلم	خانه دار	۳	دوم	منطقه ۱۶	۸-۱۵
۴	۱۰/۵	۴۱	دیپلم	خانه دار	۱	اول	منطقه ۱۱	۳-۸
۵	۱۱	۴۱	سطح دو حوزه	خانه دار	۳	دوم	منطقه ۷	۸-۱۵
۶	۹/۵	۴۲	دیپلم و دو سال حوزه	خانه دار	۲	اول	منطقه ۱۱	۸-۱۵
۷	۱۱	۳۴	کارشناسی	دبیر	۳	اول	منطقه ۱۹	۸-۱۵
۸	۹/۵	۳۷	کارشناسی ارشد	خانه دار	۴	اول	منطقه ۲۱	۸-۱۵
۹	۹	۴۴	دکتری	داروساز	۲	دوم	منطقه ۲	بالای ۲۰
۱۰	۱۱	۳۸	دیپلم	مری مهد کودک	۴	اول	منطقه ۸	۸-۱۵
۱۱	۹	۳۷	دیپلم	خانه دار	۳	دوم	منطقه ۱۷	۳-۸
۱۲	۱۱	۴۱	کارشناسی	معلم	۴	دوم	منطقه ۷	۱۵-۲۰

1. Guba, & Lincoln

2 Credibility

3 Dependability

4 Confirmability

5 Transferability

۱۳	۱۰	۳۸	کارشناسی ارشد	خانه دار	۲	اول	منطقه ۲	۸-۱۵
۱۴	۱۱	۳۹	کارشناسی	خانه دار	۲	دوم	منطقه ۱۷	۸-۱۵
۱۵	۱۰	۴۵	کارشناسی ارشد	خانه دار	۳	سوم	منطقه ۳	۸-۱۵
۱۶	۹	۳۱	دیپلم	خانه دار	۳	اول	منطقه ۱۰	۸-۱۵
۱۷	۹	۳۷	کارشناسی	خانه دار	۴	اول	منطقه ۵	۳-۸

طبق اطلاعات جدول ۱ میانگین سنی مادران مصاحبه شده، ۳۸/۲ بود که ۱۳ نفر آن‌ها خانه‌دار و ۴ نفر شاغل، همگی ساکن تهران و پایین‌ترین سطح تحصیلات دیپلم و بالاترین سطح تحصیلات آن‌ها نیز دکتری بود. میانگین تعداد فرزندان آن‌ها ۳ و میانگین سنی فرزند دختری که مصاحبه با مادر ناظر به آن‌ها انجام شد ۹/۹ بود.

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها، مضامین اصلی و فرعی در پاسخ به سوال رویکردهای تربیتی مادران در تعامل با دختران (۹-۱۱ ساله) درباره نماز و حجاب چیست؟ به شرح جدول ۲ استخراج شد. در این جدول برای هر یک از مضامین مثال‌هایی نیز آورده شده است.

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی و مثال‌ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مثال
رویکرد عدم تقلیل‌گرایی	تعریف چیستی و چرایی نماز و حجاب	اگه با خدا حرف زنیم که زندگی معنا نداره، خب حیوان‌ها هم میخورند و میخوانند (مصاحبه ۳) میگم نماز تشکر از خداست (مصاحبه ۵) همیشه بهش گفتم که مامان جان حجاب... آدم اندام‌های بدنش و زیبایی‌های بدنشو اجازه نده هرکسی ببینه اونم بخاطر عزت نفس خودت (مصاحبه ۹)
	توضیح پیامدهای طبیعی رفتارها	خدا اینقدر مهربونه که مهرو محبتش از مادر به بنده بیشتره. در نتیجه هرکاری میکنی برا خودت داری میکنی. هرکاری میکنی برا خودت (مصاحبه ۸) گاهی شده استفاده کردم. آهان یادم اومد. این که من القا کردم اینو که شما نماز نه برای من و بابا میخونید، نه برای خود خدا میخونین، برای خودتون میخونید (مصاحبه ۱۰)
	ایجاد انگیزه درونی	راستش اعتقاد من اینه که نباید اینو گفت، حتی اگه بزرگ هم بشه و حجاب نداشته باشه، حالا من بهش تذکر بدم حجاب داشته باش حالا تا من یا پدرت ناراحت میشیم؟ خب اینجا چه فایده‌ای داره حجاب؟ این با فلسفه حجاب مشکل داره. باید یواش یواش خودش متوجه بشه. (مصاحبه ۲) اون لذته اون چیزی که ذاتی میشه ملکه میشه همراه اون ادمه که هیچوقت نمیتونه محیط اطراف، ادمای اطراف، حرف ادمای اطراف، فضایی که قرار میگیره، توش تاثیر بذاره. بابت همین اونه، اون لذته رو هم طعمش رو خدا به بنده هاش میچشونه (مصاحبه ۶)
	دادن آزادی انتخاب و عمل به فرزندان	بعضی وقت‌ها میگم این چیزی هست بین خودت و خدای خودت، نمیخوای هم بخونی چیزیه بین تو و خدای خودت من هیچ اجباری نمیکنم. (مصاحبه ۱۳) میشینم براشون صحبت میکنم، روایت هارو میگم از اتفاقاتی که می‌افته تو نماز اول وقت میگم... (مصاحبه ۱۰)
	هر نوع توضیحی در راستای شناخت و آگاهی بیشتر	مثلا فایلی اگه میبینم درباره ارزش‌های نماز، براش میفرستم (مصاحبه ۱۱) اینکه الان که به سن تکلیف رسیدی و لایق شدی... بحث محرم و نامحرم و اینکه حجاب امنیت داره و اینکه با چادر قشنگ تر میشیدی... (مصاحبه ۱)

اگر بخوایم بریم مسجد حتما شروع میکنه آماده میشه چون میدونه مسجد وصله به یکسری رفتن به یه جای جدید احتمالا خریدی توی راه و به هزار چیز هیجان انگیزه دیگه. (مصاحبه ۱۲) بیشتر کلامیه و بیشتر تو جمع میگیرم که بیشتر تشویق بشه نماز و اول وقت بخونه. (مصاحبه ۱) وقتی چادر سرش میکنه میبینم حالا ذوق منو، ذوق پدرشو میبینم خب باعث میشه که تشویق بشه. (مصاحبه ۱۱)	انواع تقویت	
بهش گفتم که گناه داره یعنی خدا ناراحت میشه از انجام دادن این کار (مصاحبه ۷) مثلاً گفته این موهاش بیرون چقدر خوشگله گفتم وقتی اون دنیا از مو آویزونش کردن خوشگلی را متوجه میشه (مصاحبه ۱۵)	انواع تنبیه	
من محرومیت هایی براش قرار میدم مثلاً اگه نماز نخوندی تا این ساعت، برنامه تلوزیونی نمیتونی تماشا کنی یا خوراکی ای که دوست داری رو بهت نمیدم. (مصاحبه ۱) خیلی مواجهه نداشته چون مدرسه اش امسال که یک مدرسه خصوصی بود که ۵ نفر با هم بودن و همه با هم یک فضای تقریباً یک دست و خصوصی بود (مصاحبه ۲) ما تقریباً محدود کردیم. کم کردیم. محیط رو سعی کردیم کنترل کنیم. مثلاً هرجایی نریم هرچیزی رو نبینیم. (مصاحبه ۶)	محرومیت کنترل محیط	رویکرد تقلیل گرایی روشی
میگم بعضی چیزها هم که دیگه سوال نداره واجب شده دیگه (مصاحبه ۱) کلا میدونین مثلاً حالا چه به دخترتم چه پسر بزرگترم میدونن که یه مقداری تو خونه ما یه مقداری خط قرمز هستش. (مصاحبه ۵)	قانون گذاری	
دخترم خب از کوچیکی میدید منو خاله هاشو اطرافیانشو که چادر سر میکنیم و نماز میخوانیم (مصاحبه ۷) اگر که ذوق و شوق من مادر مثلاً یا مثلاً پدر رو ببینم که آدم های مهمی هستیم براش، به نماز خوندن... اثر داره (مصاحبه ۱۲)	الگوگیری	
اگه در آینده نماز نخونه اون موقع دیگه جدی تر باهاش برخورد می کنم. اون موقع دیگه محرومیتش بیشتره واقعا. اون موقع بیشتر محروم می کنم بیشتر سعی می کنم یعنی مثلاً بیشتر اون موقع دیگه سعی می کنم این واجب بودن و گناه داشتن و اینکه باید به حرف خدا عمل کنی تو این زمینه، رو بیشتر بهش تاکید می کنم (مصاحبه ۵) اگه در آینده حجابشو رعایت نکنه تذکر باید بدم و باید یه راهی پیدا کنم یه جوری بچمو به راه بیارم از مشاوره استفاده کنم (مصاحبه ۸)	تاکید بر خروجی رفتار و انجام ظاهری نماز و حجاب در قالب کلام	رویکرد تقلیل گرایی هستی شناختی صریح
واقعا امیدوارم هیچوقت این اتفاق (نماز نخوندن فرزند) نیفته واقعا کار سختیه بهش فکرم می کنم ناراحت می کنه (مصاحبه ۷) اگه یه روزی حجابشو رعایت نکنه من غش میکنم! چون خیلی برام سنگینه (مصاحبه ۱۰)	تاکید بر خروجی رفتار و انجام ظاهری نماز و حجاب در قالب احساسات	
من نمی تونم بگم رها میکنم به طور کامل ولی خب به طور غیر مستقیم مثلاً فایلی اگه میبینم درباره ارزش های نمازه، براش میفرستم (مصاحبه ۱۱) راستش اعتقادم اینه که نباید اینو گفت که من از دستت ناراحت میشم اگه حجابتو رعایت نکنی... این با فلسفه حجاب مشکل داره. باید یواش یواش خودش متوجه بشه./ ولی بهش میگیرم مامان مثلاً موهاشو بپوشون... این جاها تذکر دادم (مصاحبه ۲)	توضیح حقیقت نماز و حجاب اما اجبار به انجام ظاهری نماز و حجاب (تناقض)	
واقعیتش هم من هم سرم برا فاطمه هیچ اصراری به این که مثلاً از اون اول، بایدی باشه نبود. ما تقریباً تکلیفش رو، کارای اینجوریشو رعایت کردن حجابشو، البته به لطف اهل بیت به لطف حضرت زهرا همه رو با کادو انجام دادیم یعنی تشویق های ما با چیزایی بود که دوست داشت بخره (مصاحبه ۶) فکر کنم که به هیچ عنوان تنبیه جواب نمیده از هر نوعش.../ این عبارت خدا ناراحت میشه یا من ناراحت میشم رو هم لا به لای این ها پیش اومده بگین؟ -بله بله (مصاحبه ۱۱)	مخالفت با تقلیل روشی اما استفاده از آن و تاکید بر خروجی رفتار (تناقض)	رویکرد تقلیل گرایی هستی شناختی ناخود آگاه

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود از تحلیل مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان، ۴ مضمون اصلی که هر یک شامل مضامین فرعی است به دست آمد. در ادامه هر یک از مضامین اصلی به طور کامل توضیح داده می‌شوند:

مضمون اصلی ۱: رویکرد عدم تقلیل‌گرایی: زمانی این کد به جملات مادر اختصاص می‌یافت که مادر در تعامل با فرزندش درباره‌ی نماز یا حجاب از تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی و یا تقلیل‌گرایی روش شناختی استفاده نمی‌کرد و به دور از تقلیل نماز و حجاب به رفتار صرف، تلاش می‌کرد، فرزندش را با فلسفه و چرایی و حقیقت نماز و حجاب و پیامدهای طبیعی آنها، آشنا کند و برای او صرف نظر از تشویق و تنبیه‌های بیرونی، انگیزه‌های درونی ایجاد نماید و ضمن دادن آزادی عمل، درباره این دو عمل به فرزند شناخت و آگاهی ببخشد.

مضمون اصلی ۲: رویکرد تقلیل‌گرایی روشی (تقلیل‌گرایی روش‌شناختی): زمانی این کد به جملات مادر تخصیص می‌یافت که مادر در تعامل با فرزندش درباره‌ی نماز یا حجاب از تقلیل‌گرایی روشی استفاده کرده بود به این معنی که از انواع روش‌های رفتاری شامل تقویت، تنبیه، محرومیت، کنترل محیط، قانون‌گذاری و الگوگیری بهره گرفته بود.

مضمون اصلی ۳: رویکرد تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی صریح: زمانی این کد به جملات مادر تعلق می‌گرفت که مادر در تعامل با فرزندش درباره نماز یا حجاب به شکل آشکارا و صریح در قالب توضیحات کلامی یا ابراز احساسات، دچار تقلیل هستی‌شناختی می‌شد. به این معنی که نماز و حجاب از نظر مادر به سطح یک رفتار صرف تقلیل داده می‌شد و فقط انجام ظاهری نماز و حجاب و خروجی رفتار فرزند برای مادر مهم بود حتی اگر فرزند علت، معنا و آثار این اعمال را درک نکرده بود.

مضمون اصلی ۴: رویکرد تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی ناخودآگاه: زمانی این کد به جملات مادر اختصاص می‌یافت که مادر در تعامل با فرزندش درباره نماز یا حجاب به شکل غیرآشکار و ناخودآگاه دچار تقلیل هستی‌شناختی شده بود. یعنی مادر دچار نوعی تناقض بود؛ از طرفی در توضیحاتش به حقیقت و آثار نماز و حجاب اشاره می‌کرد، از طرف دیگر انجام ظاهری نماز و حجاب و خروجی رفتار برای مادر مهم بود حتی اگر فرزند علت، معنا و آثار این اعمال را درک نکرده بود. همچنین زمانی که مادر مخالف تقلیل‌گرایی روشی مانند استفاده از تنبیه بود اما آن را اعمال می‌کرد، باز هم دچار تناقض بود و صرفاً خروجی رفتار فرزند و انجام نماز و حجاب حتی بدون شناخت، برای او مهم‌تر بود. در این حالت نیز این کد به جملات مادر اختصاص می‌یافت.

با توجه به تعداد کدهای دریافتی مادران در قالب سه گروه، دسته‌بندی شدند. مبنای دسته‌بندی مادران بدین صورت بود: ۱. دسته‌ی ناتقلیل‌گرا: اگر تعداد کدهای تقلیل هستی‌شناختی مادر صفر بود و تعداد کدهای رویکرد غیرتقلیلی او بیش از تعداد کدهای رویکرد روشی بود. ۲. دسته‌ی تقلیل‌گرای صرفاً روشی: اگر تعداد کدهای رویکرد تقلیل هستی‌شناختی مادر صفر بود و تعداد کدهای تقلیل روشی او برابر یا بیش از کدهای غیرتقلیلی بود. ۳. دسته‌ی تقلیل‌گرای هستی‌شناختی: اگر مادری دارای یک یا بیش از یک کد تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی (صریح یا ناخودآگاه) بود.

نهایتاً در رابطه با هر دو موضوع نماز و حجاب، دو مادر دارای رویکرد غیرتقلیلی، دو مادر دارای رویکرد تقلیل‌گرای صرفاً روشی و ۱۳ مادر دارای رویکرد تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی بودند و همه‌ی مادران این دسته خود را اهل انجام نماز و رعایت حجاب معرفی نمودند. بحث و نتیجه‌گیری درباره‌ی هر یک از این دسته‌ها در بخش بعد خواهد آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی این پژوهش بررسی رویکرد تربیتی مادران در تعامل با دختران ۹ تا ۱۱ ساله‌شان در مورد نماز و حجاب بود. این پژوهش به عنوان اولین مطالعه در این زمینه یافته‌ها و تحلیل‌های جدیدی در این موضوع ارائه می‌دهد. نتایج به دست آمده از ۱۷ مصاحبه، نشان داد تنها دو مادر در دسته غیرتقلیل‌گرا قرار گرفتند. این مادران در توضیح نماز و حجاب بیشتر رویکرد غیرتقلیلی داشتند و اگرچه گاهی از رویکرد تقلیل روشی نیز استفاده می‌کردند اما این استفاده غالب نبود. همچنین آن‌ها دچار تقلیل هستی‌شناختی در مورد نماز و حجاب نمی‌شدند. در مقابل دو مادر دیگر در دسته‌ی تقلیل‌گرای صرفاً روشی قرار گرفتند. این مادران نیز دچار تقلیل هستی‌شناختی نمی‌شدند اما استفاده‌ی آن‌ها از رویکرد روشی برابر یا بیش از رویکرد غیرتقلیلی بود. به عبارت دیگر تقلیل‌گرایی این مادران صرفاً در روش خلاصه می‌شد. از سوی دیگر ۱۳ مادر دارای رویکرد تقلیل هستی‌شناختی در مورد نماز و حجاب بودند. این دسته از مادران در توضیح نماز یا حجاب حداقل یک بار، چه به صورت صریح و چه به صورت ناخودآگاه، دچار تقلیل هستی‌شناختی می‌شدند. هرچند ممکن بود گاهی از

توضیحات غیرتقلیلی یا تقلیل‌گرایی روشی نیز استفاده کنند اما نهایتاً همه‌ی این روش‌ها به تقلیل هستی‌شناختی منجر می‌شد زیرا برای این مادران خروجی عینی رفتار و انجام نماز و حجاب اهمیت بیشتری داشت، حتی اگر فرزندانشان به فهمی از چرایی انجام آن‌ها نرسیده بودند. همچنین همه‌ی این ۱۳ مادر خود را اهل انجام همیشگی نماز و رعایت کامل حجاب معرفی کردند. مجموع این یافته‌ها به معنی غلبه‌ی رویکرد تقلیل‌گرایانه در بین مادران مذهبی مطالعه‌شده است و تفاوت روش تربیتی آن‌ها با آموزه‌های قرآن را نمایان می‌سازد. در میان تمام مصاحبه‌ها، مادر شماره ۹ تنها مادری بود که خود را فردی مذهبی و اهل انجام نماز و حجاب معرفی کرد و در عین حال دغدغه‌ی آموزش نماز و صحبت درباره‌ی آن برای فرزندش را نیز داشت اما دارای رویکرد غیرتقلیلی بود. سایر مادرانی که در پاسخ به گزاره مرتبط با نماز و حجاب، گزینه‌ی کاملاً موافقم را انتخاب کردند، هیچ یک دارای رویکرد غیرتقلیلی نبودند.

در واقع این ۱۳ نفر برخلاف قرآن که کتاب و مرجع دینی آن‌ها بود، از روش‌های رفتاری مانند تقویت و تنبیه و رویکرد تقلیل‌یافته‌ی رفتارگرایی استفاده می‌کردند. طبق آیات قرآن از جمله آیه ۳ سوره انسان که میفرماید «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۱، زمانی هدایت و حرکت در مسیر دین دارای ارزش است و آثار دنیوی و اخروی به همراه دارد که فرد به دور از اجبار و با آگاهی و انتخاب خودش آن را برگزیده باشد (طباطبایی، ۱۳۶۷) اما این مادران بیش از آنکه به شناخت و آگاهی فرزندانشان نسبت به نماز و حجاب تأکید داشته باشند، بر خروجی عینی و رفتاری نماز و حجاب تأکید داشتند. در واقع آنچه برای این مادران ارزش محسوب می‌شد، انجام نماز و حجاب از روی آگاهی، شناخت، آزادی و انتخاب نبود؛ بلکه آنچه برایشان اهمیت بیشتری داشت این بود که فرزندان در هر صورت نماز و حجاب را به عنوان یک رفتار قابل مشاهده انجام دهند. این یافته با پژوهش‌های رضائی و جعفری‌هرندی (۱۴۰۱) و حسینی (۱۳۹۶) همسو و همخوان است.

با آنکه مطالعات مشابه نشان می‌دهند که لازم است تربیت دینی مبتنی بر آگاهی و انتخاب آزادانه باشد (فقیهی، ۱۳۹۸؛ فاضلی، ۱۴۰۲؛ کمساری، ۱۳۹۳؛ شمشیری و همایون، ۱۳۹۱) اما مجموعاً به نظر می‌رسد بین مذهبی بودن مادر و دادن فرصت انتخاب و آگاهی و شناخت به فرزندان رابطه‌ای معکوس وجود داشت. به این معنا که در مطالعه‌ی انجام شده، گویی در فضای ذهنی مادران مذهبی دادن فرصت شناخت درباره‌ی چرایی انجام اعمال دینی به فرزندان تعریف نشده بود، آن‌ها بر خروجی رفتار مُصر بودند و به دنبال ایجاد فرصت آگاهی از فلسفه نماز و حجاب نبودند. گویی مسیری برای فرزندان تعریف می‌شد که باید بین گزینه مذهبی نبودن و عدم انجام اعمال و گزینه مذهبی بودن و انجام اعمال دینی به صورت ظاهری و با رویکرد رفتاری یکی را انتخاب کنند. چرا که راهی میانی در نظر گرفته نمی‌شد که فرزند بخواهد مذهبی باشد اما با کسب شناخت و آگاهی و دور از اجبار و تقلیل اعمال به رفتار ظاهری، به انجام نماز و حجاب بپردازد. به نظر می‌رسد در تفکر این مادران، به سختی نسبتی بین دین و آزادی در نظر گرفته می‌شد و مادران نمی‌دانستند چگونه باید تعادل این دو را برقرار و در فضایی متناسب با آنچه در قرآن و متون دینی آمده فرزندانشان را تربیت کنند (فقیهی، ۱۳۹۸؛ فاضلی، ۱۴۰۲؛ اعرافی و ابراهیمی، ۱۳۹۸؛ زاهدی و همکاران، ۱۳۸۹؛ رضائی و جعفری‌هرندی، ۱۴۰۱؛ حسینی، ۱۳۹۶).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت گاهی اوقات باورها و الگوهای تربیتی که خود مادر با آن رشد یافته و سال‌ها با آن خو گرفته در تربیت فرزندش نیز اثرگذار خواهد بود (دوامی، ۲۰۲۳؛ پناهی، ۱۳۹۴؛ بیگدلی و ماهروزاده، ۱۳۹۴) بنابراین اگر باور و الگوی تربیتی خود مادر از جنس تقلیل‌گرایی و دور از آزادی باشد، همین رویکرد را در تعامل با فرزند خود اتخاذ می‌کند. همچنین در تبیین دیگری می‌توان گفت برخی مادران از آینده و عاقبت فرزند خود بیم دارند و تصور می‌کنند با کنترل فرزندان و اعمال برخی محدودیت‌ها و کمرنگ کردن آزادی در انجام اعمال دینی از جمله نماز و حجاب، به آینده‌ی مثبت فرزند خود کمک می‌کنند در حالیکه هر فرد با باورها و اعمال خود آینده‌ی دنیوی و اخروی خود را رقم خواهد زد و در صورت شقاوت فرزندان، والدین مواخذه نمی‌شوند (فاضلی، ۱۴۰۲). تبیین دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که در بسیاری از موارد مادران به اندازه‌ی کافی از رویکرد و آموزه‌های قرآن و روش‌های صحیح تربیت دینی آگاه نیستند (حسینی، ۱۳۹۶؛ غلامی و همکاران، ۱۳۹۸) به همین دلیل ممکن است روشی متفاوت با روش قرآن را اتخاذ نمایند (اعرافی و ابراهیمی، ۱۳۹۸). در تبیین دیگری می‌توان توضیح داد که با توجه به آنکه نماز و حجاب دو عمل دینی نسبتاً آشکار هستند، ممکن است در سطح جامعه به عنوان معیارهایی از سطح دینداری افراد و نشانه‌ای از میزان تقید افراد به دین در نظر گرفته می‌شوند (عسگریان و همکاران، ۱۳۹۷؛ سیدعلوی، ۱۳۸۹) فلذا ممکن است در برخی موارد این هنجارها و فشارهای اجتماعی و انتظارات جامعه در

رابطه با معیارهای یک فرزند دیندار، باعث تاکید بیشتر مادران به انجام این دو عمل شود (فتحی، ۱۳۹۷) حتی زمانی که هنوز فرزندان آگاهی لازم نسبت این اعمال ندارند.

وقتی رویکرد تربیتی مادران در مورد آموزش اعمال و مفاهیم دینی به فرزندان، رویکرد رفتارگرایانه و تقلیل گرایانه باشد و بخواهند بدون ایجاد شناخت و آگاهی‌های لازم، دین را به فرزندان خود منتقل کنند ممکن است پیامدهای بلندمدتی در پی داشته باشد از جمله آنکه احتمال می‌رود بر هویت دینی فرزندان اثر بگذارد و این مسائل در فرزندان درونی نشود و به تبع آن پایبندی فرزندان به دین و انجام اعمال دینی در آینده نیز تضمینی نداشته باشد (ناصری طاهری و شهیدی، ۱۴۰۱). ممکن است فرزندان با خارج شدن از محیط رفتارگرایانه یعنی فضای تربیتی تقلیل گرایانه‌ی خانواده، از دین و اعمال دینی نیز دور شوند و در آن حالت دیگر آثار آن تنها به بعد فردی و خانوادگی ختم نمی‌شود و می‌تواند آثاری در سطوح گسترده و در فضای اجتماعی و سیاسی داشته باشد (احمدی و عمیدی، ۱۳۹۵). بنابراین بخشی از راه‌حل برای حل مسائل اجتماعی می‌تواند بررسی عملکرد مهمترین نهاد فرهنگی یعنی خانواده و اصلاح و تکمیل رویکردهای تربیتی و مشخصاً رویکرد تربیت دینی والدین به خصوص مادران باشد (مرادی و موسی‌پور، ۱۳۹۲؛ مولایی و همکاران، ۱۴۰۱؛ کرمی و همکاران، ۱۳۹۵) تا بتوانند با ایجاد بستر آگاهی و شناخت، در تداوم دینداری فرزندان خود موثر واقع شوند. همچنین استفاده از روش‌های رفتارگرایانه و دور از آزادی و انتخاب، ممکن است در بلندمدت اثراتی بر سلامت روان فرزندان داشته باشد که به مرور خود را نمایان می‌سازد (شیرزادی و همکاران، ۲۰۲۰؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۶). این وضعیت نشان‌دهنده چالش‌های موجود در تربیت دینی است که نیازمند توجه بیشتر محققان و مربیان است. برای مثال، پژوهش‌هایی که بر نقش آموزش‌های غیرمستقیم و ایجاد فضایی برای پرسشگری تأکید دارند، می‌توانند راهکارهای موثری برای بهبود رویکردهای تربیتی مادران مذهبی ارائه دهند (حسینی، ۱۳۹۶؛ رضانی و جعفری‌هرندی، ۱۴۰۱). همچنین پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی برای مادران با هدف ارتقای آگاهی آنها از روش‌های تربیتی موثر و منطبق بر آموزه‌های قرآن تدارک دیده و به آنها آموزش داده شود. همچنین امکان دریافت مشاوره و پاسخگویی به سوالات مادران در فرایند تربیت به شکل در دسترس توسط نهادهای تربیتی در نظر گرفته شود تا با حل چالش‌های آنها به ارتقا و اثرات مثبت رویکرد تربیتی آنها در بلندمدت کمک گردد. از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به یک‌دستی تقریبی نمونه و محدودیت در تعمیم نتایج به مادرانی که کمتر اهل رعایت نماز و حجاب هستند و پیشینه پژوهشی کم اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش ناظر به مادران دارای دختر ۱۱ سال به بالا نیز انجام شود تا بررسی شود آیا با وجود رشد شناختی و تفکر انتزاعی فرزندان، آیا باز هم مادران از رویکرد تقلیل‌گرایانه و روش‌های قبلی خود استفاده می‌کنند یا خیر. همچنین می‌توان تغییراتی که در رویکرد تربیتی مادران در طول زمان رخ می‌دهد را با استفاده از پژوهش‌ای طولی مورد مطالعه قرار داد. همچنین پیشنهاد می‌شود رویکرد تربیتی مادران مذهبی و کمتر مذهبی و غیرمذهبی در تعامل با دختران ۹-۱۱ ساله‌شان در مورد دین، مفاهیم و اعمال آن با هم مقایسه گردد. همچنین جهت بررسی دقیق‌تر اثرات فرهنگی، تعامل مادران را در فرهنگ‌های مختلف نیز می‌توان باهم مقایسه کرد.

منابع

- احمدی، س؛ عمیدی، ا. (۱۳۹۵). خانواده و تعلیم و تربیت دینی فرزندان. سومین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه ریزی پایدار ایران، تهران. <https://civilica.com/doc/609598>
- اسحاقی، س. (۱۳۸۸). گوهر عفاف پژوهشی درباره‌ی حجاب (چاپ دوم). قم: انتشارات بوستان کتاب.
- اعرافی، ع؛ ابراهیمی، ج. (۱۳۹۸). وظیفه خانواده در تربیت دینی فرزندان از منظر سیره. مطالعات فقه تربیتی، ۶(۱۱)، ۶۳-۸۷. <https://sid.ir/paper/255084/fa>
- اکبرنژاد، م؛ م مهدی، ت. (۱۳۹۳). اثر بخشی نماز بر آرامش روان از دیدگاه قرآن کریم. دوفصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی قرآن، ۶(۲۰)، ۷۸-۹۱. <https://ensani.ir/file/download/article/20160306143208-9807-89.pdf>
- باهنر، ن. (۱۴۰۱). کتاب آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد، تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- بهروزی، م. (۱۳۸۷). حجاب هاله‌ای از عفاف (چاپ ششم). تهران: کانون قرآن و عترت جامعه زینب (س).
- پناهی، ع. (۱۳۹۴). بررسی ظرفیت‌های مادران در تربیت اجتماعی فرزندان با تکیه بر یافته‌های دینی و علمی. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، ۷(۱۴)، ۹۳-۱۱۳. https://soci.rihu.ac.ir/article_1203.html
- حاتمی، م. (۱۴۰۰). ارزیابی انتقادی تقلیل‌گرایی در مدل‌های وحدت علم نیگل و اپنهایم-پاتنم. مجله پژوهش‌های فلسفی، ۱۵ (۳۷)، ۲۱۶-۲۴۱. [10.22034/jpiut.2021.46157.2833](https://doi.org/10.22034/jpiut.2021.46157.2833)

- بیگدلی، ز؛ ماهروزاده، ط. (۱۳۹۴). تاثیر سبک‌های تربیتی والدین بر انجام اعمال عبادی فرزندان. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی. ۱(۱۸)، ۹-۳۰.
- https://mpes.sbu.ac.ir/article_98414_cc8afa8966e623bf3a0fa6da54ec1a0a.pdf
- حسن‌زاده، م؛ مظاهری، م؛ غروی، س؛ فیاض بخش، م. (۱۳۹۲). نماز: سازه‌ای روانشناختی در قرآن. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۳(۴)، ۶۲۷-۶۴۸.
- <https://www.sid.ir/files/server/jf/4017213920904.pdf>
- حسینی، م. (۱۳۹۶). بازنمایی تجربه زیسته والدین از چگونگی پاسخدهی به سؤالات دینی فرزندان مقطع ابتدایی شهر بندر لنگه (دزگان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر لنگه.
- حیدری، س؛ هاشمی، ز؛ نقش، ز. (۱۳۹۶). نقش دینداری والدین بر تاب‌آوری و سلامت روان دانشجویان: نقش واسطه‌ای عقلانیت دینی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۴۶۷-۴۶۶. (۲۵)۷. https://ciu.nahad.ir/article_495_acbaa32a516c35e8264cf8207b61dcff.pdf
- رمضانی، ف؛ جعفری هرندی، رضا. (۱۴۰۱). بازنمایی تجربه زیسته مادران در مهیاسازی فرزندان دختر برای انجام تکالیف عبادی. نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۱۰۸-۸۱. (۲)۷. <https://qaie.ir/article-1-867-fa.pdf>
- زاهدی، ع؛ امراپی، ا؛ نظریبگی، م. (۱۳۸۹). روش قرآن کریم در نهادینه‌سازی عفاف و حجاب (با رویکرد ترتیب نزول). مطالعات راهبردی زنان، ۱۳ (۴۹)، ۴۹-۱۰۶. <https://ensani.ir/file/download/article/20120514175050-9046-21.pdf>
- زینال‌پور، س؛ کیهان، ج. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی شیوه‌های آموزش مذهبی والدین به کودکان پیش‌دبستانی. دوفصلنامه علمی-ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۱۱(۱). <https://ensani.ir/file/download/article/1557741433-10167-97-4.pdf>
- سوهانی، ع. (۱۳۹۶). شیوه‌های تعمیق باورهای دینی در کودکان. فلسفه و کودک، ۱۶(۱)، ۷۱-۸۶. <http://pac.mullasadra.org/Journal/DownloadFile/22529>
- سیدعلوی، س. (۱۳۸۹). نماز در قرآن. تهران: انتشارات چاپ و نشر بین‌الملل.
- شریفی، م. (۱۳۹۷). نقش محوری نماز در تعالی فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم. رهیافت فرهنگ دینی، ۱۱(۳)، ۲۱-۳۲. <https://ensani.ir/file/download/article/1557924693-10158-3-2.pdf>
- شفیعی، ص؛ راوک، ا؛ اسدی، ر. (۱۳۹۹). بررسی اصول، مبنا و روش تدریس مفاهیم دینی به کودکان از منظر آیات و روایات و روانشناسی رشد و تربیتی. پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۳ (۲۳)، ۴۲-۵۳. <https://ensani.ir/file/download/article/1593408516-10146-23-5.pdf>
- شمشیری، ب؛ همایون، ز. (۱۳۹۱). بررسی امکان رویکرد هرمنوتیک در تربیت دینی. همایش ملی تعلیم و تربیت اسلامی، مبانی، منابع و اصول ۷۱-۷۲. (۱)۱. <http://noo.rs/R2ebY>
- صادقی، م؛ مظاهری، م؛ حیدری، م. (۱۳۸۵). میزان مذهبی بودن والدین، منابع متفاوت شناخت دینی و تصور از خدا خانواده پژوهی ۲(۲). https://scj.sbu.ac.ir/article_97503_5edeb9a27d15e653dd409f8cd9cdbcfc33.pdf
- صادقی، م؛ مظاهری، م. (۱۳۸۶). کیفیت ارتباط والد-فرزند پیش شرط تربیت دینی فرزندان خانواده پژوهی، ۱(۴۷۱-۴۹۰). (۳)۹. https://jfr.sbu.ac.ir/article_94978_ad66c4121ddeed2e342f7b8ed9658357.pdf
- طباطبایی، س. (۱۴۱۷ق). تفسیر المیزان (جلد ۱ تا ۲۶) مترجم: ناصر مکارم شیرازی و دیگران (۱۳۶۷)، تهران: رجا.
- عارفی، ا؛ فلاح پور، پ. (۱۳۹۶). رویکرد تحلیلی بر تأثیر نقش خانواده بر حجاب فرزندان. تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۲(۲)، ۷۹-۹۴. <https://noo.rs/kbdfj>
- عسکریان بیدگلی، م؛ اطهری اصفهانی، ز؛ ستار، ح. (۱۳۹۷). بررسی نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان. فصلنامه زن و جامعه، ۱۰۴-۶۹. (۳۴)۹. <https://ensani.ir/file/download/article/1549087413-10001-34-4.pdf>
- غلامی، س؛ ذاکری، م؛ زینلی، ف. (۱۳۹۸). مطالعه چگونگی نهادینه کردن نمازخوانی فرزندان نوجوان توسط والدین: ارائه مدل مطلوب با رهیافت گراند تئوری. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۴ (۳)، ۱۱۹-۱۴۲. <https://ensani.ir/file/download/article/1603021183-10319-99-70.pdf>
- فاضلی، م. (۱۴۰۲). بررسی فقهی ضرورت تربیت دینی (عبادی، اعتقادی) فرزندان. مطالعات فقهی، ۱۱(۱۱)، ۲۱۵-۲۳۶. https://js.journals.miu.ac.ir/article_8748_0856c7dde9eff16de10b29bd5eb56121.pdf
- فتاحی‌زاده، ف. (۱۳۸۸). حجاب از دیدگاه قرآن و سنت (چاپ سوم). قم: موسسه ی بوستان کتاب.
- فتحی، ز. (۱۳۹۷). بررسی موانع و حدود و ثغور آزاداندیشی دینی در جریان تربیت دینی در آثار شهید مطهری. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره). ۳۳-۵۵. (۳)۳۶. <http://noo.rs/hwruV>
- فتحی، س؛ موسوی‌نسب، س. (۱۳۹۴). راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی. معرفت، ۱۰۷-۱۱۶. vasael.ir/0000rD
- فقیهی، ع. (۱۳۹۸). ویژگی‌های زیربنایی روان‌شناختی فطری انسانی برای تربیت مطلوب در دوره نوجوانی؛ با تأکید بر دیدگاه اسلامی. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۷(۱۷)، ۷۵-۱۰۰. <https://sid.ir/paper/377798/fa>
- قاسمی، م. (۱۳۸۷). بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و حدیث (چاپ اول). قم: انتشارات هزاره ققنوس.
- قرآن کریم، مترجم: مهدی الهی‌قمشه‌ای (۱۳۸۵). بیروت: بنیاد قرآن و عترت.
- کریمی، ف؛ عطایی، م؛ هاشم‌زاده، ا؛ اعزازی، ی. (۱۳۹۵). مادران چگونه در تربیت دینی فرزندان خود در خانواده نقش ایفا می‌کنند. اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی. تهران. <https://civilica.com/doc/534580>
- کمساری، ع. (۱۳۹۳). آزادی شاخصه‌ای الهی، انسان، است. پیام زن، ۱۳۹۳ (۲۶۶). http://payamezan.eshragh.ir/article_54932.html

رویکرد تربیتی مادران در تعامل با دختران (۹-۱۱ ساله) در مورد نماز و حجاب: یک مطالعه کیفی
Mother's Educational Approach To Interaction With their Daughters (9-11) Years About Prayer And Hijab: A ...

- مرادی، خ؛ موسی پور، ن. (۱۳۹۲). راه های توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز در بین دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر تهران. *نواوری های آموزشی*. ۴۳-۲۴؛ ۱۲(۳). <https://ensani.ir/file/download/article/1603196555-10321-99-81.pdf>.
- مرعشی، س. (۱۴۰۰). *درسنامه روانشناسی اسلامی*. اهواز: معتبر.
- مطهری، م. (۱۳۸۶). *مسأله های حجاب (چاپ هشتم و سوم)*. تهران: انتشارات صدرا.
- معتمدی، ع. (۱۳۹۷). تحلیل آموزش، پذیرش و تغییر رفتار حجاب دختران در مراحل مختلف تحول (از کودکی تا جوانی). *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*. ۵، ۱۰۶-۱۳۴. https://pubs.jz.ac.ir/article_99475_38cdc2017eeb1095086af1f06b271850.pdf.
- معدن دار آرائی، ع. (۱۳۹۵). جایگاه نظام خانواده در بحرانهای منطقه خاورمیانه و نقش آموزش و پرورش تطبیقی. *خانواده و پژوهش*. ۳۳، ۶۱-۷۶. <http://noo.rs/pJLAV>.
- مکارم شیرازی، ن (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه (جلد ۱ تا ۲۷)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملکوتی، س. (۱۳۹۷). نقش مادر در تربیت کودک. *معارف اسلامی و علوم تربیتی*. ۴(۸)، ۲۵-۴۰. https://pubs.jz.ac.ir/article_99475_38cdc2017eeb1095086af1f06b271850.pdf.
- ملکی، ح؛ شاملی، ع؛ مهدی، ش. (۱۳۹۰). تربیت عبادی کودکان. *اسلام و پژوهش های تربیتی*. ۲(۲)، ۱۳۹-۱۶۸. <https://ensani.ir/file/download/article/20130115084033-9713-33.pdf>.
- منصور، م. (۱۳۹۵). *روانشناسی ژنتیک*. تهران: انتشارات سمت.
- مولایی پارد، ب؛ سعیدی اصل، ق؛ سعیدی اصل، ر. (۱۴۰۱). نقش زنان در ترویج فرهنگ اسلامی و تقویت هویت دینی و ملی فرزندان. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*. ۱۱۸۸، ۱۱۹۵۰، ۶(۲۳). <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/1772>.
- مهریزی، م. (۱۳۸۶). *زن در اندیشه های اسلامی (چاپ سوم)*. تهران: سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ناصری طاهری، م؛ شهیدی، م. (۱۴۰۱). هویت سازی و تربیت دینی فرزندان (دوران کودکی و نوجوانی). *کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی*. ۳۹۷-۱۹۰، ۳(۳). <http://noo.rs/jRkhk>.
- نصیری، م. (۱۳۹۹). رهیافت عرفانی به آیات الاحکام قرآن مطالعه موردی: نماز و کارکرد عمق بخشی آن به معنای زندگی. *پژوهشنامه معارف قرآنی*. ۱۱(۴۰)، ۱۲۹-۱۴۹. <https://doi.org/10.22054/rjgk.2020.47238.1952>.
- هادیان، س؛ غروی، س؛ آذربایجانی، م. (۱۳۹۲). تأثیرات والدین بر فرزندان از منظر روانشناسی دین. *مطالعات اسلام و روانشناسی*. ۷(۱۳)، ۲۵-۴۶. https://islamicpsy.rihu.ac.ir/article_897_6176b10678378de6ba071b31163dd305.pdf.
- Boyatzis, C. J., Dollahite, D. C., & Marks, L. D. (2006). The family as a context for religious and spiritual development in children and youth. *The handbook of spiritual development in childhood and adolescence*, 297-309. <https://scholarsarchive.byu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=5866&context=facpub>.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. https://www.tandfonline.com/doi/pdf/10.1191/1478088706qp0630a?casa_token=uMAGmT_Cb3gAAAAA:4L4YzDX_Mj7377JsL9OIPkaA9ttCpr0Xnq0-M9O-0D6hUWp3RwEk5gu6JgSQ8L49-44nXgF8a5OQ.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2016). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications. https://www.academia.edu/download/55010759/creswell_Qualitative_Inquiry_2nd_edition.pdf.
- Davami, A. (2023). The role of mother's parenting style, family's cultural capital and social skills in educating the girls. *Journal of Woman Cultural Psychology*, 14(56), 105-116. <https://ensani.ir/file/download/article/6525410a9c1ea-10314-56-8.pdf>.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1982). Epistemological and methodological bases of naturalistic inquiry. *Ectj*, 30(4), 233-252. <https://avys.omu.edu.tr/storage/app/public/ismailgelen/116687/19.PDF>.
- Mayring, P. (2003). In: *A Companion To Qualitative Research*. Edited by Uwe Flick, Ernest Von Kardorff and Ines Steinke. London: Sage. <https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=F6O-Ru4Ag1IC&oi=fnd&pg=PP2&ots=mnEX3rx6Ui&sig=Zh3G4R2bdT1lbXfMLBRkg6HYtU>.
- Poole, M. (2007) *Reductionism: Help or Hindrance in Science and Religion?*, *The Faraday Institute for Science and Religion*, 1-4. https://www.faraday.cam.ac.uk/wp-content/uploads/resources/Faraday%20Papers/Faraday%20Paper%206%20Poole_EN.pdf.
- Shirzadi, Z., Khodabakhshi-Koolae, A., & Falsafinejad, M. R. (2020). A study of the relationship of outlook and practical pledge to prayers and spiritual experiences with mental health of girl students of university of Tehran. *J Res Relig Health*, 5(4), 99-113. <https://journals.sbm.ac.ir/jrrh/article/view/22236/18456>.
- Van Manen, M. (2016). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*. Routledge. file:///C:/Users/BitBin.ir/Downloads/9781315421056_previewpdf.pdf.